

گزارش مقدماتی بازننگری، بررسی و تحلیل الگوی پراکنش استقرارهای فرهنگ باکون در منطقه‌ی فارس

مریم معانی

دانش‌آموخته دکترای باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

محمد رضا سعیدی هرسینی *

استادیار پژوهشی مرکز تحقیق و توسعه‌ی علوم انسانی سمت

sacedi@samt.ac.ir

احمد چایچی امیرخیز

استادیار پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۷

(از ص ۲۵ تا ۴۲)

چکیده

یکی از مهمترین فرهنگ‌های عصر مس سنگی ایران به‌موازات دشت شوشان و فلات مرکزی، فرهنگ باکون در فارس است. در بین دشت‌های فارس، استقرار در دو دشت مرودشت و ممسنی از هزاره‌های دور تاکنون استمرار دارد. به‌منظور مطالعه‌ی چگونگی ارتباط عوامل طبیعی با انتخاب زیستگاه‌ها و نتیجتاً تأثیر این دو بر الگوی پراکنش محوطه‌های فرهنگ باکون، طرح بازننگری و بررسی محوطه‌های دارای این فرهنگ در فارس برنامه‌ریزی شد و در راستای آن محدوده‌ی جغرافیایی به مساحت حدوداً ۲۲۶۸۴۰ کیلومتر مربع مورد بررسی قرار گرفت. از بین ۶۲ محوطه مورد بازننگری تنها از ۳۸ محوطه، سفال باکون الف به‌دست آمد. برای تحلیل الگوی استقرار این محوطه‌ها، در ابتدا روابط میان سکونتگاه‌ها و میزان تأثیر عوامل محیطی بر نوع انتخاب آن‌ها توسط نرم افزار بررسی سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی (GIS) مورد سنجش قرار گرفت تا ارتباط بین عوامل محیطی با میزان جذب استقرار محوطه‌ها مشخص گردد. مطالعه‌ی اطلاعات به‌دست آمده، نشان از افزایش وسعت محوطه‌ها با افزایش ارتفاع از سطح دریا دارد و این همان چیزی است که دشت‌های فارس را از سایر مناطق فرهنگی ایران متفاوت می‌کند. سایر عوامل محیطی نظیر فاصله از رودخانه‌ها و میزان بارش مدل نرمالی را مانند دیگر مناطق نشان می‌دهد. وضعیت آب‌وهوایی منطقه، خبر از اقلیمی خشک و نیمه‌خشک دارد؛ به‌همین دلیل، هر جا که محیط اجازه داده، حتی در دشت‌های کم‌وسعت میان کوهی، گروه‌های پُرجمعیت ناچار به استقرار شده‌اند. در این بین محوطه‌های وسیعی نیز دیده می‌شوند که با توجه به انبوه داده‌های باستان‌شناختی انباشته شده، شاید بتوان آن‌ها را به‌عنوان مکان‌های مرکزی و تأثیرگذار در منطقه به‌حساب آورد.

کلیدواژه‌گان: باکون، منطقه فارس، بررسی و بازننگری، الگوی استقرار.

مقدمه

از آن‌جا که منطقه‌ی فارس، در زاگرس جنوبی، از جمله غنی‌ترین مراکز مطالعاتی ایران و حتی خاور نزدیک به‌موازات دشت شوشان و فلات مرکزی به‌حساب می‌آید و دشت‌های کم‌وسعت میان‌کوهی متعددی در مسیر رودخانه‌های ناحیه قرار دارند که مهم‌ترین آن‌ها، دشت‌های «مروذشت» و «ممنسی» هستند که برای کشاورزی مناسبند. این دو جلگه به‌دلایل مذکور، شرایط مساعدتری برای زندگی داشته و هنوز هم این موقعیت را حفظ کرده‌اند.

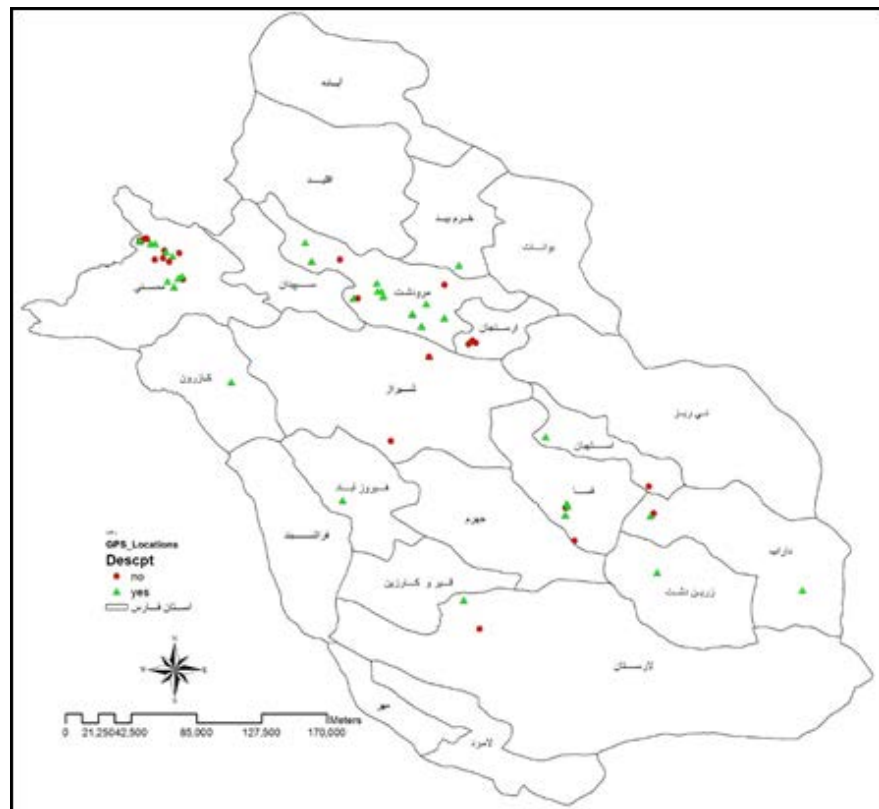
این منطقه، خاستگاه فرهنگ‌های بسیار مهمی است که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان از فرهنگ «باکون» نام‌برد. دوره‌ی باکون یکی از مهم‌ترین فرهنگ‌های عصر مس‌سنگی ایران، مرحله‌ی مهمی در زمینه‌ی تغییرات اجتماعی-اقتصادی جوامع پیش‌ازتاریخ ایران در فارس است که هم‌زمان با شوشان (قدیم، میانی و جدید) در خوزستان، و چشمه‌علی در فلات مرکزی، احتمالاً خاستگاه شکل‌گیری نخستین نهادهای حکومتی در این منطقه است. معرف این فرهنگ، نوعی سفال نخودی ظریف منقوش است که با نقش‌ها و فرم‌های مخروطی خاص، ساخته و پرداخته می‌شده و برای اولین بار توسط «ارنست هرتسفلد» بر روی تپه‌های دوگانه‌ی باکون، در ۲ کیلومتری تخت‌جمشید شناسایی شد (Herzfeld, 1929). گستره‌ی فرهنگی این دوره‌ی پیش‌ازتاریخی در ایران، سراسر فارس کنونی و بخش‌هایی از استان‌های هم‌جوار آن، مانند: خوزستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، اصفهان، یزد، کرمان، هرمزگان و بوشهر را شامل می‌شود که شاخصه‌ی آن، همین سفال نخودی منقوش باکون است (هژبری‌نوبری و دیگران، ۱۳۹۲: ۸۴). گستردگی این گونه‌ی سفالی در بخش بزرگی از دشت‌های مروذشت، ممنسی و نواحی جنوبی فارس بسیار حائز اهمیت است. بسیاری از باستان‌شناسان دوره‌ی باکون را مرحله‌ای مهم از تغییرات اقتصادی-اجتماعی در ایران به حساب می‌آورند (Sumner, 1994; Alizadeh, 2006) چرایی و چگونگی این پراکنش، سؤال اصلی این پژوهش علمی است. لازم به ذکر است که با وجود اهمیت ویژه‌ی باستان‌شناختی منطقه و فعالیت‌های پژوهشی که در این حوزه انجام شده (در این مورد ن. ک. به: Herzfeld, 1929; Stein, 1936; Longsdorf & McCown, 1942; Vandan Berghe, 1952, 1959; Egami & Masuda, 1977; Egami & Sono, 1962; Gotch, 1968, 1969; Fukai et al., 1973; Sumner, 1972, 1986; Alden, 1979, 2004; Egami, 1970; Overlaet, 1997; Abdi et al., 2003; Alizadeh, 2004). اما، هنوز مسائل بسیاری در باستان‌شناسی این منطقه وجود دارد که هنوز نیاز به مطالعه دارد.

بررسی میدانی (روش و اهداف)

با دریافت مجوز طرح در تاریخ ۱۳۹۳/۱۰/۱ با شماره‌ی ۲۲۸/۹۳۲ از سوی پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی، بررسی میدانی در بهمن‌ماه ۱۳۹۳ به‌صورت فشرده و پیمایشی به‌مدت یک‌ماه آغاز شد. به‌دلیل اختلاف دمای زیادی که در نواحی شمالی و جنوبی فارس وجود دارد و گستردگی محدوده‌ی پژوهش که کار را در دو اقلیم گرم و سرد استان قرار می‌داد، تصمیم بر این گرفته شد که ابتدا از دشت‌های جنوبی که آب‌وهوای گرم‌تری دارند، بررسی را شروع نموده و آن‌را به‌سمت دشت‌های شمال‌غربی در ممنسی هدایت کرده و نهایتاً به دشت‌های سرد و بارانی مرکزی، یعنی جلگه‌ی مروذشت گسترش داده شود و کار بدین‌صورت انجام گرفت. محدوده‌ی جغرافیایی پروژه ۴۲۸ کیلومتر، شمال به

جنوب از صفاشهر تا خنج لارستان و ۵۳۰ کیلومتر از جنوب‌شرق تا شمال‌غرب، از فورگ داراب تا نورآباد ممسنی، مساحتی در حدود ۲۲۶۸۴۰ کیلومتر مربع را دربر گرفته است؛ لازم به ذکر است که در در بازننگری، از همه‌ی محوطه‌هایی که در گزارش‌های قبلی از آن‌ها سفال باکون گزارش شده بود، این نوع از سفال دیده نشد و به‌همین لحاظ از ۶۲ محوطه‌ای که در منطقه‌ی فارس مورد بازننگری قرار گرفت، تنها از ۳۸ محوطه سفال باکون به‌دست آمد (شکل ۱). جهت گردآوری مواد باستان‌شناختی مورد لزوم، مساحتی به بزرگی ۵ متر مربع را اندازه‌گیری نموده و مواد باستان‌شناختی در هر محوطه‌ی این محدوده گردآوری شد. برای مشخص کردن محدوده‌ی گردآوری داده‌ها، در مکان تجمع داده‌ها، در هر محوطه یک دایره به شعاع ۶۵ سانتی‌متر رسم کرده و در محدوده‌ی این دایره، یافته‌های باستان‌شناختی گردآوری شد. این دایره مساحتی به بزرگی ۱/۳۳ مترمربع را مشخص می‌نماید که در محوطه‌هایی با تراکم سفال ضعیف، این کار تا پنج‌بار و در ۵ نقطه، تکرار شد. با این روش، می‌توان به‌صورت تصادفی، با پوششی فراگیرتر نسبت به کل محوطه، به جمع‌آوری نمونه‌ها در حد امکان پرداخت و اگر محوطه‌ای تراکم ضعیف‌تری داشته باشد، این کار به دفعات تکرار می‌شود.

با توجه به وجود شواهدی قوی مبنی بر فعالیت‌های تخصصی در باکون، در نبود پول و در قالب اقتصاد معیشتی، ثروت در پیش‌ازتاریخ می‌توانسته نشانه‌ای از تبحر در ساخت ادوات و ابزار و ارائه‌ی خدماتی چون: عرضه‌ی کالاهای سفالی، سفالگر با تجربه و با استعداد، نزدیکی روستا به معادن گل رُس، بازار و دیگر خدمات در این عرصه باشد (علیزاده، ۱۳۸۰). در بررسی و کاوش‌های میدانی، برخی اشیاء و ظرف‌های سفالی در مناطقی پیدا می‌شوند که سبک هنری و تکنیک ساخت آن‌ها با اشیاء بومی آن مناطق



► شکل ۱. چگونگی پراکنندگی ۶۲ محوطه در کل منطقه، در سطح منطقه محوطه‌هایی که در آن‌ها سفال باکون به‌دست نیامده با دایره‌های قرمز رنگ و محوطه‌های دارای سفال‌های باکون با مثلث سبز مشخص شده‌اند (معانی، ۱۳۹۵).

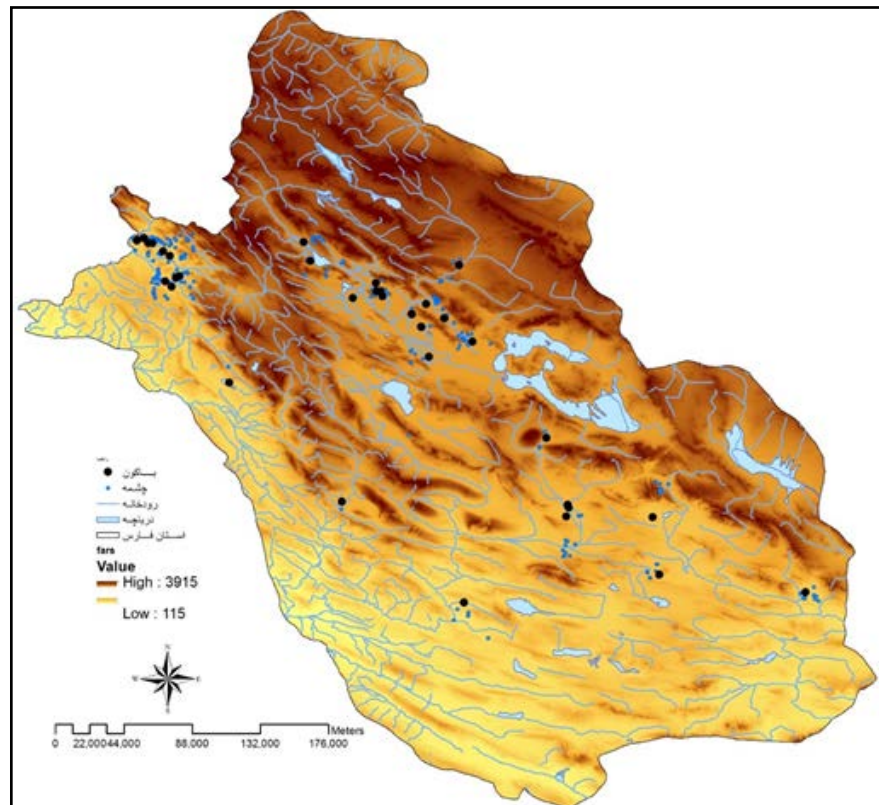
ناهمگون است و به‌همین دلیل به «کالاهای وارداتی» معروفند. گرچه ای‌نگونه اشیاء دادوستد پایاپای را به ذهن می‌رساند؛ اما، عامل مهم رونای اجتماعی که در تحول‌های زیربنایی اقتصادی سبب جابه‌جایی اشیاء و مواد و انسان‌ها می‌شوند را باید در نظر گرفت. در رهیافت‌های اخیر، طبقه‌بندی انعطاف‌ناپذیر جوامع به قبیله، عشیره، ایل، دولت و امثال آن کنار گذاشته شده و اصطلاحاتی بی‌طرف چون «حکومت» به کار می‌رود که بالاترین واحد اجتماعی-سیاسی جوامع پیش‌ازتاریخ را مشخص می‌کند. اصطلاح دیگر، «پیچیدگی» است که رتبه‌ی نهاد سیاسی جامعه‌ی مورد نظر را در مقیاسی از پیچیدگی اندک تا بسیار، مشخص می‌کند (دارک، ۱۳۸۷: ۱۲۵). از این‌رو مدارک باستان‌شناختی، مشخص‌کننده‌ی تحولات فرهنگی در فارس، باید به‌گونه‌ای مطالعه شوند که بتوان دلایل درونی و زیربنایی این ناهمگونی در سبک‌های درون و برون منطقه‌ای را فهمید (علیزاده، ۱۳۸۰) و مطالعه و پژوهش درباره‌ی تل‌باکون، باید ورای یک محوطه‌ی منفرد و در چشم‌اندازی گسترده‌تر که در آن ساکنان دوره‌ی باکون با محوطه‌های دیگر بر هم کنش دارند، انجام گیرد (علیزاده، ۱۳۸۳). پروژه‌ی حاضر، بر پایه‌ی همین نگرش شکل گرفته و دستاورد این مقاله، در مرحله‌ی اول معرفی این دشت در یک چشم‌انداز کلی و توصیف محوطه‌های بازنگری شده براساس ویژگی‌های ظاهری به‌لحاظ وسعت، نوع سفال و نحوه‌ی دسترسی به منابع آبی و چیدمان زمین‌ریخت‌شناختی آن‌ها است.

شرایط جغرافیایی و زیست‌محیطی منطقه

استان فارس، با وسعت تقریبی ۱۳۳ هزار کیلومتر مربع ۷/۴ درصد از وسعت کشور را به‌خود اختصاص داده است. بلندترین قله‌ی فارس، کوه «بل» واقع در جنوب شهر اقلید است که در تمام فصول سال پوشیده از برف است و به‌طور کلی سه ناحیه‌ی آب‌وهوایی در استان فارس وجود دارد: ۱) ناحیه‌ی کوهستانی شمال و شمال‌غربی با زمستان‌های نسبتاً سرد و تابستان‌های معتدل؛ ۲) نواحی مرکزی با زمستان‌های نسبتاً بارانی و معتدل و تابستان‌های گرم و خشک؛ ۳) ناحیه‌ی جنوب و جنوب‌شرقی با زمستان‌های معتدل و تابستان‌های بسیار گرم. این منطقه از حوضه‌های آبریز درون‌ریز است و با داشتن دریاچه‌های متعدد در میان دشت‌های میان‌کوهی اقدام به جمع‌آوری آب‌های جاری درون خود منطقه می‌کند (شکل ۲).

بررسی‌های «سر اورل اشتاین»، «لویی واندنبرگ»، «پیر دومبروشجی» و «ویلیام ماروین سامنر» و دیگر پژوهشگران عرصه‌ی باستان‌شناختی بخش‌های وسیع و مهمی را در این استان دربر گرفته که از شهرک سده‌ی در شمال‌غربی تا شهرستان لار در جنوب‌شرقی فارس (مسافتی به‌طول حدودی ۵۰۰ کیلومتر طول و ۲۰۰ کیلومتر عرض) را دربر می‌گرفت، ولی نواحی کوهستانی را دربر نمی‌گرفت (علیزاده، ۱۳۷۶: ۷۲). به مجموعه‌ی این بررسی‌ها باید به مطالعات صورت گرفته در دشت نم‌دان (نمدون) شهرستان اقلید فارس، به سرپرستی «ابراهیم روستایی فارسی» و همین‌طور مطالعات تپه «مهرعلی» در شمال فارس (هژبری و دیگران، ۱۳۹۱) اشاره کرد. در بررسی حاضر، سعی شد مسافتی نزدیک به‌همین ابعاد مورد پیمایش قرار گیرد. دشت‌های کم‌وسعت میان‌کوهی متعددی در مسیر رودخانه‌های جاری در منطقه‌ی فارس قرار دارند که مهم‌ترین این دشت‌ها از شمال تا مرکز تا غرب فارس را دشت‌های بیضا، مرودشت و نورآباد ممسنی دربر می‌گیرد؛ این دشت‌های بزرگ، در کنار دشت‌های جنوبی فارس،

► شکل ۲. پراکندگی محوطه‌های دارای فرهنگ باکون در نقشه‌ی توپوگرافی به‌همراه رودخانه‌ها، چشمه‌ها و دریاچه‌ها که حکم حوضه‌های آبریز درونی را برای منطقه‌ی فارس دارند (معانی، ۱۳۹۵).



مانند: فسا، فیروزآباد، استهبان، جهرم، کازرون، لار و داراب، منطقه‌ی وسیعی را تشکیل می‌دهند که از دیرباز برای کشاورزی، دامداری و در نتیجه تولید غذا و قاعدتاً استقرار مهیا ساخته است. با این ساختار ریخت‌شناختی و با توجه به مدل پراکندگی محوطه‌ها، می‌توان مشاهده نمود که آن‌ها در سه منطقه‌ی شمال غربی، دشت‌های نورآباد ممسنی (N P)، منطقه مرکزی، دشت‌های واقع در جلگه مرودشت (MP) و دشت‌های جنوبی (SP) تجمع یافته‌اند (شکل ۳).

دشت‌های جنوبی

در منطقه‌ی جنوبی فارس، به‌جز رودخانه‌های فصلی غیردایمی، از دیرباز عدم وجود رودخانه‌های دایمی، سبب شده که آب‌های زیرزمینی در واقع منبع اساسی تأمین آب جهت آبیاری دشت‌های جنوبی فارس، از جمله دشت‌های فراشبند، فیروزآباد، داراب، لار، لامرد و بخش وسیعی از دشت‌های خنج باشد و محوطه‌های باستانی نیز اغلب در کنار منابع زیرزمینی، یعنی چشمه‌ها شکل بگیرند.

دشت‌های نورآباد ممسنی

منطقه‌ی ممسنی در بخش شمال غربی منطقه‌ی فارس و در فاصله‌ی ۱۸۰ کیلومتری مرودشت، در ارتفاع ۸۰ تا ۹۸۰ متری از سطح دریا، یکی از پُرتمرکزترین محوطه‌ها را در این طرح به‌خود اختصاص داده است. این منطقه، از دشت‌های حاصلخیزی تشکیل

1. Norabad Mamasani Plain
2. Marvdasht Plain
3. Southern Plain

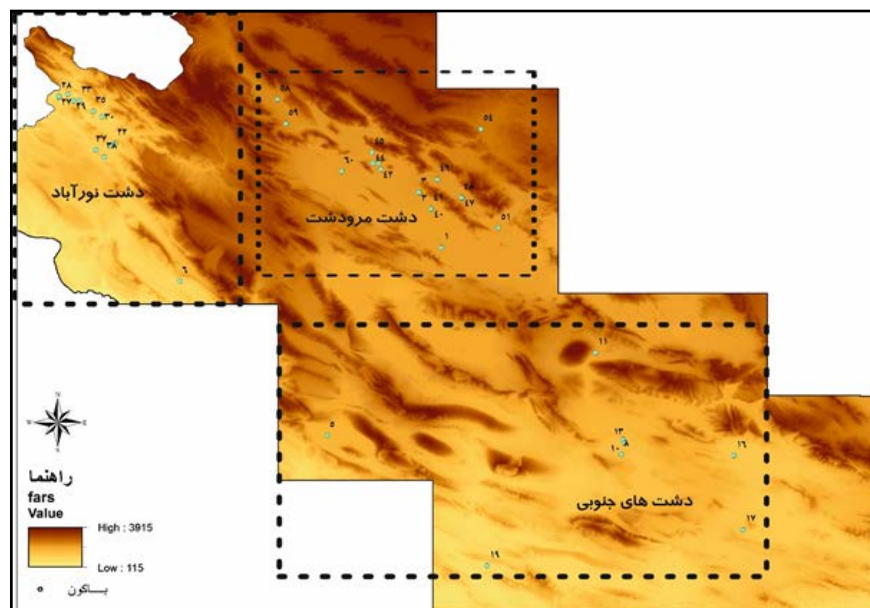
شده که در امتداد کوه‌های زاگرس از شمال غرب به جنوب شرق امتداد یافته‌اند (شکل ۳). دشت‌های این منطقه آبرفتی است و به دلیل وفور آب چشمه‌ها، جریان رودخانه‌ی فهلیان و همچنین گذر ارتباطی بین فارس و خوزستان از هزاره‌های پیش از تاریخ تاکنون، همواره برای سکونت مناسب بوده است (عسگری‌چاوردی و دیگران، ۱۳۹۳).

دشت مرکزی، حوضه‌ی رود گر دشت مرو دشت

دشت مرکزی حوضه‌ی رود کر است و شامل دره‌های میان کوهی وسیعی است که مرز جنوبی آن در استان فارس در حدود ۴۰ کیلومتری شمال شرقی شیراز واقع شده است. در این حوضه، دو دشت اصلی قرار دارد: اول، دشت بیضا، که ابتدا چشمه‌های بزرگ حواشی کوه‌ها یا دامنه‌های شیپ‌دار در زیر کوه‌ها آن را آبیاری می‌کند و دیگری، دشت مرو دشت، که در گذشته رودهای کر و سیوند (پلوار) آن را آبیاری می‌کردند. این دو رود در مرو دشت به دریاچه‌های شور دائمی در انتهای جنوب شرقی می‌ریزند. در ابتدا منطقه‌ی کر حوضه‌ی آبریز هفت رود بوده که از کوهستان‌های «پلنگی» در شرق، سپاه در شمال و نج در غرب سرچشمه می‌گرفته و در جهت جنوب جریان داشته است. رود کر را می‌توان به دو قسمت ناحیه‌ی کر علیا (قبل از پیوستن رود سیوند به آن) و کر سفلی (از محل پل «خان» تا دریاچه‌ی «تشک») تقسیم نمود. این رود دائمی از شمال غربی استان شروع و تا دریاچه‌ی تشک ادامه می‌یابد. طول آن از سرچشمه تا دریاچه‌ی تشک ۲۸۰ کیلومتر است. آب این رودخانه کیفیت خوبی ندارد و در تمام مسیر خود، چون زهکشی طبیعی آب‌های زیرزمینی دشت‌های مجاور را جمع نموده و در نهایت به دریاچه‌ی تشک می‌رساند (زیدی، ۱۳۸۷: ۶). در بخش سفلی رود کر، دشتی عریض به وسعت ۳۴۰۰ کیلومتر مربع است. این دشت دارای ۱۶۰۰ متر ارتفاع از سطح دریا و آب‌وهوای نیمه‌خشک است. در این حوضه، فقط در زمستان باران می‌بارد و میزان آن از یک سال به سال دیگر متغیر است؛ با این میزان بارش، کشت دیم غلات در زمستان امکان‌پذیر، اما پُر مخاطره است. حدود ۷ هزار سال است که مردم با استفاده از منابع مختلف آبی در این دشت به کشت آبی مشغول‌اند. از طرفی هم، هزاران سال است که در کنار کشاورزی، بخش مهمی از معاش مردم از طریق نگه‌داری گوسفند و بز تأمین می‌شود (سامنر، ۱۳۷۹: ۳۹). اکثر مکان‌های باستانی و دهکده‌های کشاورزی در دشت‌های نسبتاً وسیع بین دره‌ای واقع شده که این زمین‌ها یا با آب چاه‌های عمیق و یا ترکیبی از کشاورزی دیم و آب چشمه‌سارها و نهرهای کوچک کشت می‌شده است. در فصل‌های پُر آب، برخی از این دشت‌های وسیع، زیر آب رفته و برای یکی دو ماه به صورت دریاچه‌های کوچک درمی‌آید. اکثر دهکده‌ها و تپه‌های باستانی در حاشیه‌ی این دشت‌ها در دامنه‌ی کوه‌ها قرار گرفته است (علیزاده، ۱۳۷۶: ۶۹). بررسی‌های زیست‌محیطی و باستان‌اقلیم‌شناختی نشان داده که شرایط جوی دره‌های رود کر در دوره‌های پیش از تاریخ و تاریخی کم‌وبیش مانند امروز بوده است (زیدی، ۱۳۸۷: ۷).

توصیف محوطه‌ها و یافته‌های دوره‌ی باکون منطقه‌ی فارس

در این بررسی مسافتی به وسعت ۴۲۸ کیلومتر شمال به جنوب، از صفا شهر تا خنج لارستان و ۵۳۰ کیلومتر از جنوب شرق تا شمال غرب، از فورگ داراب تا نورآباد ممسنی پیمایش شد که مساحتی در حدود ۲۲۶۸۴۰ کیلومتر مربع را دربر می‌گیرد. جهت شناسایی



► شکل ۳. نحوه‌ی پراکندگی محوطه‌ها در دشت‌های شمالی، مرکزی و جنوبی فارس (معانی، ۱۳۹۵).

و کد گذاری محوطه‌ها، از یک شناسه به صورت عدد و یک حرف لاتین استفاده شد که عدد، شماره‌ی محوطه را نشان می‌دهد و حروف لاتین کنار آن، موقعیت جغرافیایی مکان محوطه را بیان می‌کند (برای نمونه: MP^۱ 001، اولین محوطه‌ی بازنگری شده در دشت مرو دشت است). از آن جا که توصیف کامل محوطه‌ها در گزارش نهایی آمده است و در این نوشتار نمی‌گنجد، بنابراین مشخصات ۳۸ محوطه که سفال‌های باکون به طرز مشخص در آن به دست آمد در جدول ۱ آمده است.

از این محوطه‌ها که تعداد بیشتری از آن‌ها در دشت مرو دشت قرار گرفته‌اند، مجموعه‌ای از سفال‌های دوره‌ی باکون به دست آمد که می‌توان گفت سفال‌های مورد بحث، حاصل بازنگری بر بررسی‌های انجام شده در ۶۲ محوطه‌ی گزارش شده هستند که البته تنها در ۳۸ محوطه از ۶۲ محوطه، سفال منسوب به فرهنگ باکون به دست آمد. از این ۳۸ محوطه، ۱۵ محوطه به عنوان محوطه‌های کلیدی انتخاب گردید تا آزمایش‌های پیتروگرافی بر روی آن‌ها انجام شود. مبنای کلیدی شمردن این ۱۵ محوطه، فاکتورهای مساحت (محوطه‌های بالای ۳ هکتار)، نشانه‌های وجود کوره‌ی سفال‌پزی، به دست آمدن جوش کوره، فرم شاخص سفال باکون، نقش خاص سفال باکون، اثر مهر متعلق به دوره‌ی باکون و دو مورد احتمالی از توکن بوده است. یکی از مشهورترین محوطه‌ها، محوطه‌های دوگانه‌ی تل باکون در دشت مرو دشت، در فاصله‌ی ۲ کیلومتری جنوب شرقی تخت جمشید است. محوطه‌ی شماره‌ی ۱ آن، تقریباً بیضی شکل با ارتفاع ۵ تا ۶ متر و مساحتی حدود ۲۳۳۱۸ متر مربع، دارای سفال‌های شاخص باکون الف و سفال خوش پخت قرمز رنگ است که البته در این بازبینی در حجم کم و ضعیف یافت شد. دوره‌های موشکی، جری، باکون ب، باکون الف، لپویی از دوره‌های شناخته شده در این محوطه است (تصویر ۱).

محوطه‌ی تل ریگی زرقان، در ۲ کیلومتری شمال روستای فیض آباد، از توابع بخش زرقان شهرستان شیراز، در منطقه‌ی جلگه‌ای واقع شده که پیرامون آن را کوهستان دربر گرفته است. در شرق تل ریگی، تل ثبت نشده‌ای قرار دارد که نام «حارس آباد» گرفته

و در سمت چپ تل حارس آباد، تپه‌ی دیگری قرار دارد که به نام «تل اشکی» خوانده می‌شود، که هر سه‌ی این تپه‌ها در میان کشتزار گندم واقع شده‌اند. این محوطه، تقریباً چهار ضلعی با مساحتی حدود ۶۳۴۵ متر مربع، دارای سفال‌هایی از گونه‌های پیش از تاریخ با خمیره‌ی و پوشش گلی غلیظ قرمز، خشن با پخت ناقص و سفال‌های خوش پخت ضخیم نخودی رنگ با خمیره‌ی متراکم و سفال‌های نخودی منقوش باکون الف با فراوانی زیاد است. سایر یافته‌های این محوطه، شامل سفال، تیغه‌های سنگی، صدف و یک قطعه اثر مهر گلی است. مهر این اثر مهر، در کاوش‌های «مک‌کان» به دست آمده است (علیزاده، ۱۳۸۳: ۲۴۱). دوره‌های این محوطه، شامل اواخر نوسنگی، مس سنگی، احتمالاً موشکی، جری، باکون ب، باکون الف و لپویی است (تصویر ۲).

محوطه‌های «همتی» ۱ (با مساحتی حدود ۳۷۸۰ متر مربع) و ۲ و ۳ «فورگ» (دشت داراب) در روستای «شاه‌مرز» داراب با مجموع مساحت حدود ۵ هکتار هر سه تپه، از دیگر محوطه‌های مهم هستند (تصویر ۴). در سطح تپه همتی ۱، با تراکم خیلی ضعیف سفال‌های نوسنگی به شکل سفال‌های قرمز ضخیم پوک با شاموت گیاهی و چند قطعه سفال باکون و ابزار سنگی به دست آمد (تصویر ۳)؛ احتمالاً سیلاب‌ها، سفال‌های سطحی را با خود برده‌اند. یک قطعه مخروط کوچک سنگی به دست آمد که ممکن است نوعی توکن به شمار آید. دوره‌های این محوطه، شامل: نوسنگی، مس سنگی و باکون است. تپه‌های ۲ و ۳، در فاصله‌ی ۵۰ متری با تپه همتی ۱ قرار گرفته‌اند و سطح آن‌ها نیز همانند تپه همتی ۱، پوشیده از نهشته‌های سنگ‌لاخی است؛ تراکم ضعیفی از سفال‌های نوسنگی قرمز ضخیم، پوک با شاموت گیاهی با پخت ناکافی و همچنین نوعی سفال قرمز خوش پخت ظریف از نوع لپویی و سفال‌های نخودی ساده و ضخیم دیده می‌شود. همچنین، دو تکه النگوی شیشه‌ای و یک قطعه‌ی کوچک سفال لعاب آبی اسلامی نیز به دست آمد. دوره‌های این محوطه: نوسنگی، مس سنگی، تاریخی و اسلامی است.

تل اسکو، در نزدیکی روستای «اوباد» داراب با مساحتی حدود ۴۵۰۰۰ متر مربع دارای سفال‌های نخودی منقوش طرح باکون و سفال آجری فراوانی است. دوره‌های موجود در این محوطه نیز شامل: اواخر نوسنگی، احتمالاً جری B و باکون است. محوطه‌ی «تل زوربند رستم ۲» (دشت نورآباد ممسنی) در جنوب شرقی روستای «خیمه علیا» قرار دارد و دارای مساحتی حدود ۹۶۰۳ متر است. ارزش این محوطه، به دلیل وجود سفال‌هایی از نوع سفال قرمز رنگ نوع لپویی و یک قطعه سفال نخودی مشکوک به باکون و ۲ قطعه ریز تیغه سنگی است؛ اما گروه «دنیل پاتس» در بررسی، شواهدی از دوره‌های نوسنگی، باکون، لپویی، ساسانی و اسلامی را ذکر کرده است (Potts & Roustaie, 2006: 161).

«تل سورنا» یا «تل نجف‌قلی» در بخش رستم، با ارتفاع ۲۴ متر و مساحتی حدود ۱۰۰۰۰ متر مربع دارای سفال‌های پیش از تاریخی با خمیره‌ی نارنجی و نقش لوزی‌های آجری رنگ در لایه‌های مختلف تپه در شیب‌های تراشیده شده به چشم می‌خورد. سفال‌های آشپزخانه‌ای و ذخیره‌ی آذوقه‌ی خاکستری رنگ با شاموت شنی و پخت خوب و کافی، نوع دیگری از سفال خاکستری ضخیم با لعاب گلی آجری و پخت ناکافی و خمیره‌ای خشن با شاموت شن و سفال‌هایی با خمیره‌ی منسجم، ظریف و خوش پخت نخودی ساده و منقوش در این محوطه وجود دارد. دوره‌های موجود آن، شامل: شوشان میانه و جدید، باکون، کفتری، ایلام میانه‌ی قلعه و شغا، تیموران، هخامنشی، فرا



▲ تصویر ۱. نمونه‌ی سفال‌های مربوط به تل باکون (معانی، ۱۳۹۵).



▲ تصویر ۲. نمونه‌ی سفال‌های مربوط به تل ریگی زرقان (معانی، ۱۳۹۵).



▲ تصویر ۳. بخشی از یافته‌های محوطه‌ی همتی (معانی، ۱۳۹۵).



▲ تصویر ۴. نمایی از بستر سنگ‌لاخی محوطه‌ی همتی (معانی، ۱۳۹۵).

هخامنشی، ساسانی و اسلامی است (Potts & Roustaiei, 2000: 159).

از محوطه‌های مشهور دیگر در این بررسی، محوطه‌ی «تل اسپید» در دشت نورآبادمسنی، روستای «تل سفید» یا «تل اسپید» است. روستای تل اسپید، بخش شمالی تپه را دربر گرفته و تا ۴۰ سال پیش (۱۳۵۰) روستا در بخش‌های مرتفع تپه‌ی تل اسپید قرار داشته، هنوز هم بقایای معماری آن بر سطح تپه باقی است. این محوطه، امروزه مساحتی حدود ۲۱۰۰۰ متر مربع را دربر می‌گیرد. خرده‌سفال‌های ناچیزی در پیرامون تپه یا درون درز راه آب‌های درست شده توسط بارش باران دیده می‌شود؛ تعدادی ریزتیغه، خرده‌های شیشه و احتمالاً یک سردوک سفالی به‌دست آمد. گرچه در بازنگری به دلیل رفت‌وآمد اهالی روی تپه سفال شاخصی به‌دست نیامد، اما کاوش‌های هیأت ایرانی-استرالیایی در سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۸۵ ه.ش. دوره‌های شاخصی نظیر: اواخر نوسنگی، باکون، لپویی، بانس، کفتری، ایلام میانه، شغا-تیموران، هخامنشی، فراهخامنشی، ساسانی و اسلامی را در این محوطه مشخص کرده است (Potts & Roustaiei, 2006: 167). محوطه‌های ممالیس ۱ و ۲ در دشت مرودشت، در بخش مرکزی شهرستان مرودشت و شمال غرب روستای «تاج‌آباد» قرار دارند. ممالیس ۱، دارای مساحتی حدود ۱۲۸۸۰ و ممالیس ۲، حدود ۸۲۵۰ مترمربع است. این محوطه‌ها، از نظر وجود سفال باکون غنی است (تصویر ۵) و این نوع از سفال بر روی تپه‌ی ۱ با تراکم متوسط پراکنده است. نشانه‌هایی از وجود کوره و مقدار زیادی جوش کوره و قطعاتی از خشت پخته نیز در جنوب‌شرقی تپه در فاصله‌ی کمی، از تپه ۱ قرار دارد. دوره‌های این دو تپه در مجموع، شامل: یافته‌های سفالی و ابزار سنگی از دوران باکون، لپویی و اسلامی است.

«تل بشی چمن بورکی» در منطقه‌ی «دروذن»، دارای وسعتی حدود ۳۳۹۱۴ متر مربع است. به دلیل برش‌هایی که در حین شخم‌زدن بخش‌هایی از تپه در آن ایجاد شده، سفال‌هایی مربوط به اواخر نوسنگی و دوره‌ی باکون از لایه‌های فرهنگی بیرون آمده و قابل رویت است؛ سفال‌های ضخیم قرمز و خاکستری با خمیره‌ی سیاه، احتمالاً اواخر نوسنگی و سفال خشن با شاموت شن و نقش شانه‌ای، احتمالاً دوره‌ی جری و سفال شاخص باکون و همین‌طور قطعاتی از سفال قرمز رنگ لپویی منقوش، به‌دست آمد. این تپه توسط «کامیار عبدی» و همکارانش، کاوش شده است (Abdi et al., 2003). دوره‌های شناخته شده‌ی این محوطه مربوط به اواخر نوسنگی، مس‌سنگی، احتمالاً جری، باکون و لپویی است (تصویر ۶).

محوطه‌ی شاخص دیگر، «تل نخودی» (دشت مرودشت) در بخش «هخامنش» و در ضلع غربی محوطه‌ی پاسارگاد و مقبره‌ی کوروش است. پیرامون این محوطه را مزارع کشاورزی دربر گرفته و آب منطقه، توسط چاه تأمین می‌گردد. تل نخودی، تپه‌ای مدور با وسعت حدود ۱/۲۱ هکتار است که در گذشته توسط «علی سامی» (۱۳۳۰) گمانه‌زنی شده است. در گزارشی که توسط «عزیزالله رضایی» ارائه شده، از سطح تپه سفال‌های منقوش نخودی و قرمز رنگ و یک نوع سفال پوک که سفال‌های منقوش، نقوش هندسی دارند، سخن به میان رفته است؛ اما در بازنگری به جز یک قطعه سفال نخودی با نقش هندسی آجری رنگ، غالب سفال‌ها، سفال قرمز ضخیم و نازک ساده است. سفال‌های قرمز ضخیم مخصوص ذخیره، احتمالاً از نوع سفال خشن باکون ب، سفال‌های قرمز لپویی، سفال نخودی با پوشش گلی کرم و یک بخش از پایه‌ی یک وسیله‌ی گلی نخودی رنگ، نوعی سفال نازک خاکستری و نوعی سفال ضخیم نخودی

با لعاب آجری رنگ ساده‌ی بدون نقش به‌دست آمد (تصویر ۷). این محوطه، متعلق به اواخر دوره‌ی نوسنگی، باکون و لپویی است.

تحلیل داده‌ها

برای بررسی تأثیر عوامل طبیعی بر روی الگوی پراکندگی محوطه‌ها، باید عوامل مختلف طبیعی در ارتباط با انتخاب زیستگاه‌ها را مطالعه کرد. بدین‌منظور با مطالعه‌ی نقش این عوامل و با تکیه بر اطلاعات موجود، با استفاده از نرم‌افزار (GIS) و ارتباط آن‌ها با استقرار محوطه‌هایی که در آن‌ها در بررسی میدانی سفال‌پهای باکون مشاهده گردید، کار دنبال شد. در این زمینه، می‌توان جدول ۱ را ارائه کرد.

در جدول ۱، اطلاعات موجود از محیط پیرامونی هر محوطه، به‌طور مجزا آورده شده و برای تعیین میزان تأثیر هر یک از این عوامل باید با فرمول‌های وابستگی (متغیرهای مستقل و وابسته) محاسبه شود. در این میان، برای در نظر گرفتن میزان پراکندگی هر محوطه در دشت، از مساحت پراکندگی داده‌های آن استفاده گردید (برای مطالعه بیشتر ن. ک. به: تاج‌بخش و بلمکی، ۱۳۹۳: ۳). نتایج موجود در بعضی از موارد، بسیار جالب و برخلاف رویه‌ی موجود در سایر دشت‌ها مشاهده می‌شود؛ به‌عنوان نمونه، می‌توان به تأثیر ارتفاع از سطح دریا در الگوی پراکندگی محوطه اشاره کرد. البته در موقعیت محوطه‌ها نسبت به فاصله از رودخانه‌ها و انتخاب مناطق بارشی، تقریباً یک روال منطقی که باید وجود داشته باشد، دیده می‌شود. در میان کل ۶۲ محوطه‌ی بررسی شده (اعم از باکون و بدون باکون)، بیشترین یافته‌ها مربوط به ابزارهای سنگی است (۴۸ محوطه) و بعد از آن، بیشترین یافته‌ها را سفال‌های باکون تشکیل می‌دهد (نمودار ۱). تبیین این مسأله، بی‌شک با ساختار زمین‌ریخت‌شناختی این منطقه و وجود رگه‌های رادیولاریت در رشته‌کوه‌های منطقه که در اکثر مناطق یافت می‌شود، مرتبط است و می‌تواند در نوع انتخاب تأثیر بسزایی داشته باشد. این محوطه‌ها در امتداد دره‌ها و در دشت‌های میان‌کوهی ایجاد شده، پراکنده شده‌اند (شکل ۲).

فاکتورهای دیگری نیز این نقش را پُر رنگ‌تر جلوه می‌دهد. مطالعه‌ی نقش موقعیت زمین‌ریخت‌شناختی منطقه در چگونگی الگوی پراکندگی محوطه‌ها و میزان وابستگی این محوطه‌ها به‌میزان ارتفاع از سطح دریا، نشان می‌دهد که با افزایش ارتفاع از سطح دریا به وسعت محوطه‌ها اضافه می‌گردد. این همان چیزی است که دشت‌های فارس را به نوعی در تناقض با سایر مناطق فرهنگی ایران، نظیر زاگرس میانی و یا دشت شوشان قرار می‌دهد. میزان ضریب وابستگی حدود ۷ درصد با افزایش ارتفاع، افزوده می‌شود (نمودار ۲). این میزان وابستگی بسیار ناچیز است؛ اما به‌هرحال، نشان‌دهنده‌ی روند افزایش وسعت استقرارگاه‌ها با افزایش ارتفاع از سطح دریا است. این روند به نسبت سایر مناطق ایران، روندی معکوس دارد (در سایر مناطق، هرچه به دشت‌ها نزدیک می‌شویم وسعت استقرارگاه‌ها افزایش می‌یابد). این مسأله، می‌تواند در نوع‌گزینش و تحلیل مکانی الگوی استقراری مورد توجه قرار گیرد. همان‌طور که در نمودار ۲ قابل مشاهده است، تراکم محوطه‌ها در ارتفاع ۱۶۰۰ تا ۱۸۰۰ متری بیشتر از سایر کدهای ارتفاعی است و بعد از آن، تراکم در کد ارتفاعی ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ متر، دومین تراکم دیده می‌شود. در کدهای ۱۰۰۰ تا ۱۶۰۰ متر کمترین تراکم دیده می‌شود. این موارد با ساختار زمین‌ریخت‌شناختی استان فارس ارتباط مستقیم دارد.



▲ تصویر ۵. سفال‌های باکون در ممالیس (معانی، ۱۳۹۵).



▲ تصویر ۶. یافته‌های سفالی باکون در تل بشی (معانی، ۱۳۹۵).

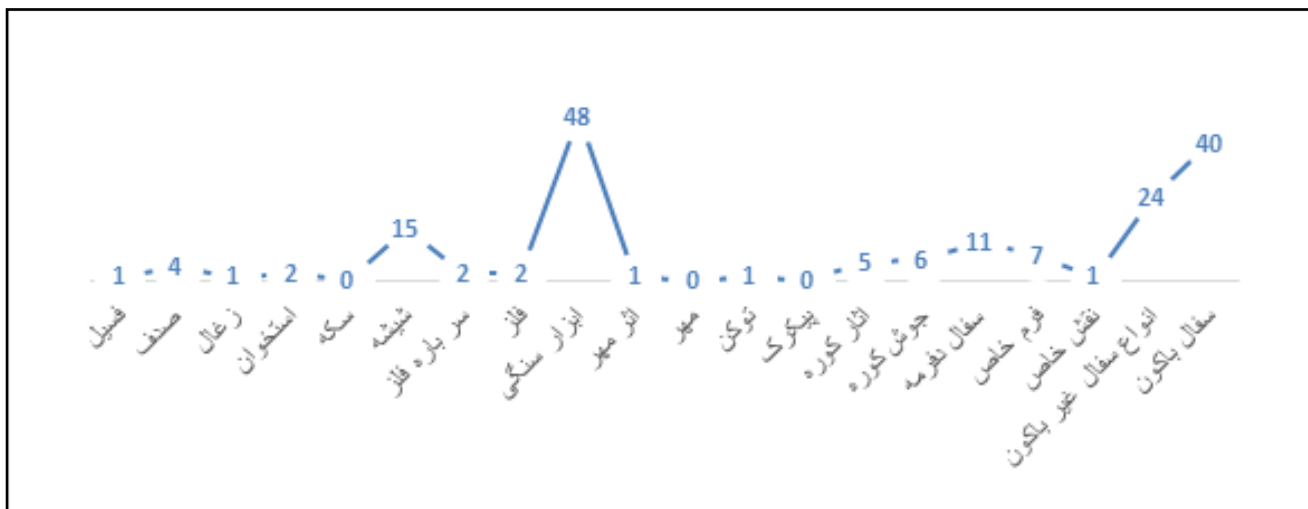


▲ تصویر ۷. سفال‌های یافت شده در تل نخودی (معانی، ۱۳۹۵).

جدول ۱. تعداد ۳۸ محوطه‌های دارای سفال‌های باکون و فاکتورهای محیطی که هر محوطه را دربر گرفته است (معانی، ۱۳۹۵).

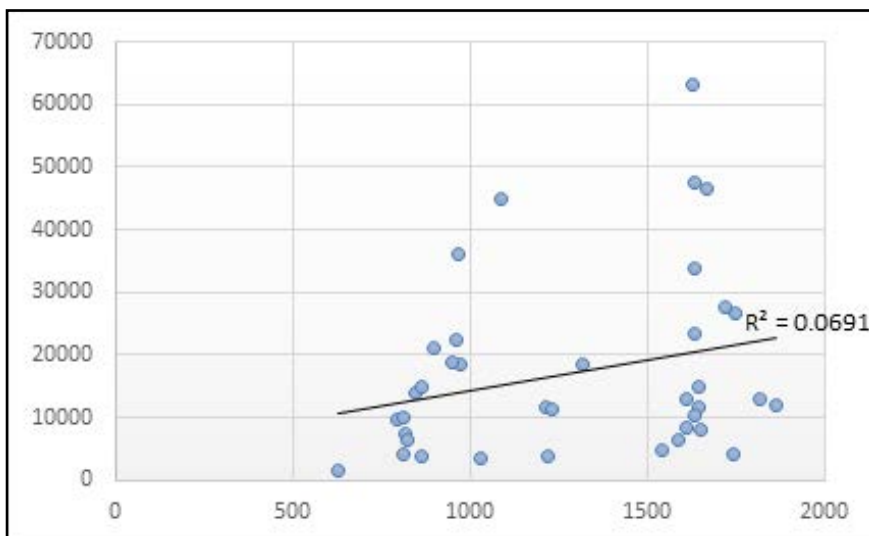
کد	نام محوطه	ارتفاع از سطح دریا (متر)	مساحت (مترمربع)	فاصله از رودخانه (متر)	نوع اراضی	میزان بارندگی (میلیمتر در سال)	نوع آب و هوا	ارتفاع از سطح زمین (متر)
۱	تل ریگی زرقان	۱۵۸۶	۶۳۴۵	بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰	مرتع متوسط	۲۵۰	خشک	۳٫۵
۳	تل باکون (کوچک) مرودشت	۱۶۴۵	۱۱۵۰۰	بیشتر از ۱۰۰۰	مرتع متوسط	۳۰۰	نیمه‌خشک	۱٫۵
۳	تل باکون (کوچکتر) مرودشت	۱۶۳۶	۲۳۳۱۸	بیشتر از ۱۰۰۰	مرتع متوسط	۳۰۰	نیمه‌خشک	۱
۵	تل ریگی کمال آباد - فیروزآباد	۱۳۱۶	۱۸۵۰۰۰	بیشتر از ۱۰۰۰	کشاورزی	۴۰۰	نیمه‌خشک	۴٫۵
۶	تل بادی - کازرون	۸۴۴	۱۴۰۰۰	بیشتر از ۱۰۰۰	جنگل کم تراکم	۵۰۰	نیمه‌خشک	۱۱
۸	تل خیر آباد - فسا	۱۲۱۴	۱۱۶۱۵	بیشتر از ۱۰۰۰	کشاورزی	۲۵۰	نیمه‌خشک	۱۲
۱۰	تل تیاکو - فسا	۱۲۲۹	۱۱۲۲۷	بیشتر از ۱۰۰۰	کشاورزی	۲۵۰	خشک	۳
۱۱	تل ریگی - استهبان	۱۵۴۳	۴۸۰۰	بیشتر از ۱۰۰۰	کشاورزی	۳۰۰	خشک	۴٫۵
۱۳	تل خورنگان - فسا	۱۲۲۰	۲۸۰۰	بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰	کشاورزی	۲۵۰	خشک	۰٫۳۰
۱۴	تپه همتی ۱، فورگ داراب	۸۶۲	۳۷۸۰	بیشتر از ۱۰۰۰	کشاورزی	۲۰۰	خشک	۴
۱۶	تل اسکو-داراب	۱۰۸۵	۴۵۰۰۰	بیشتر از ۱۰۰۰	کشاورزی	۲۵۰	خشک	۴٫۵
۱۷	کیلی یال تپه حاجی آباد داراب	۱۰۲۸	۳۵۰۰	بیشتر از ۱۰۰۰	آبش	۲۵۰	خشک	۳٫۵
۱۹	تل قبرستان روستای چهره خنج	۶۲۷	۱۶۲۵	بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰	مرتع فقیر	۳۰۰	خشک	۶
۲۲	تل بختیاری - نورآباد	۹۷۳	۱۸۶۲۵	بیشتر از ۱۰۰۰	کشاورزی	۷۰۰	نیمه‌مرطوب	۲
۲۳	تل میرچاشیری - نور آباد	۹۶۲	۲۲۵۰۰	بیشتر از ۱۰۰۰	کشاورزی	۷۰۰	نیمه‌مرطوب	۶
۲۴	تل زور آباد - رستم	۷۹۶	۹۶۰۳	بیشتر از ۱۰۰۰	کشاورزی	۷۰۰	مدیترانه‌ای	۵
۲۷	تپه میر فضل اله ۲ - رستم	۸۱۴	۷۲۹۳	کمتر از ۵۰۰	کشاورزی	۷۰۰	مدیترانه‌ای	۳
۲۸	تل سورنا - رستم	۸۱۲	۱۰۰۰۰	کمتر از ۵۰۰	کشاورزی	۷۰۰	مدیترانه‌ای	۲۴
۲۹	تل بندو - رستم	۸۱۵	۷۲۷۵	کمتر از ۵۰۰	کشاورزی	۷۰۰	مدیترانه‌ای	۱۵
۳۰	تل اسپید - رستم	۹۰۰	۲۱۰۰۰	بیشتر از ۱۰۰۰	کشاورزی	۶۰۰	مدیترانه‌ای	۱۶
۳۳	تل برج - رستم	۸۲۱	۶۳۷۵	بیشتر از ۱۰۰۰	کشاورزی	۷۰۰	مدیترانه‌ای	۷
۳۵	تپه نادری - رستم	۸۶۴	۱۵۰۰۰	بیشتر از ۱۰۰۰	کشاورزی	۷۰۰	مدیترانه‌ای	۱
۳۷	تل دیمه میل - نور آباد	۹۵۰	۱۸۷۰۰	بیشتر از ۱۰۰۰	کشاورزی	۶۰۰	مدیترانه‌ای	۱۸٫۵
۳۸	تل کوزه گران - نور آباد	۹۶۵	۳۶۰۰۰	بیشتر از ۱۰۰۰	کشاورزی	۶۰۰	مدیترانه‌ای	۰
۴۰	تپه مامالیس ۲ - مرودشت	۱۶۰۹	۱۲۸۸۰	بیشتر از ۱۰۰۰	مرتع متوسط	۳۰۰	نیمه‌خشک	۰
۴۱	تپه مامالیس ۱ - مرودشت	۱۶۱۲	۸۲۵۰	بیشتر از ۱۰۰۰	مرتع متوسط	۳۰۰	نیمه‌خشک	۴
۴۲	تل سیاه - مرودشت	۱۶۳۲	۱۰۱۹۲	بیشتر از ۱۰۰۰	مرتع متوسط	۴۰۰	نیمه‌خشک	۱
۴۳	تل کوزه ای میان قلعه مرودشت	۱۷۴۶	۲۶۶۰۰	کمتر از ۵۰۰	مرتع متوسط	۴۰۰	نیمه‌خشک	۸
۴۴	تل بشی چمن بورکی - مرودشت	۱۶۳۱	۳۳۹۱۴	بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰	مرتع متوسط	۴۰۰	نیمه‌خشک	۴
۴۵	تل قلعه کچی - درود زن مرودشت	۱۶۲۹	۶۳۰۰۰	کمتر از ۵۰۰	مرتع متوسط	۴۰۰	نیمه‌خشک	۹
۴۶	تل قلعه فاروق - مرودشت	۱۶۶۶	۴۶۴۱۸	بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰	مرتع متوسط	۴۰۰	نیمه‌خشک	۲٫۵
۴۷	تل گپ کره تاوی - مرودشت	۱۶۴۶	۱۴۸۲۰	بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰	مرتع متوسط	۴۰۰	نیمه‌خشک	۱٫۵
۴۸	تل پهنک کره تاوی - مرودشت	۱۶۵۱	۸۲۱۳	بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰	مرتع متوسط	۴۰۰	نیمه‌خشک	۱٫۵
۵۱	تل جعفر آباد الف ارسنجان	۱۸۱۵	۱۳۰۹۰	بیشتر از ۱۰۰۰	مرتع متوسط	۴۰۰	خشک	۱٫۵
۵۴	تل نخودی - پاسارگاد	۱۸۶۳	۱۲۱۰۰	بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰	مرتع متوسط	۳۰۰	نیمه‌خشک	۲
۵۸	تل مزاری روستای بکیان کامفیروز	۱۷۲۲	۲۷۵۴۰	بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰	کشاورزی	۵۰۰	نیمه‌خشک	۱۲
۵۹	تل گرگی روستای خواجه کامفیروز	۱۷۴۴	۴۰۰۰	بیشتر از ۱۰۰۰	کشاورزی	۵۰۰	نیمه‌خشک	۴
۶۰	تل کوش، نوسنجان	۱۶۳۲	۴۷۵۰۰	بیشتر از ۱۰۰۰	مرتع متوسط	۴۰۰	نیمه‌خشک	۵

نوعی تفاوت در تأثیر عوامل طبیعی در انتخاب سکونتگاه‌ها در منطقه‌ی فارس دیده می‌شود و این ویژگی در میزان وابستگی گزینش‌ها به رودخانه‌ها نیز کم‌وبیش دیده می‌شود. با نگاهی به درصد بسیار ناچیز میزان وابستگی از تحلیل رگرسیون استقرارها نسبت به موقعیت‌شان از رودخانه‌ها، متوجه درصد بسیار ناچیز بین این دو فاکتور می‌شویم. به طوری که می‌توان، تقریباً تأثیر این فاکتور را نیز به نوعی نادیده گرفت. این درصد بسیار پایین نیز خود می‌تواند نشان‌دهنده‌ی نتایج خاص این منطقه باشد. با نزدیک شدن به رودخانه‌ها، به وسعت محوطه‌ها اضافه می‌شود؛ البته در وسعت



و نه در تعداد محوطه‌ها، و این یعنی نزدیک بودن به رودخانه‌ها در نظام گزینشی استقرارگاه‌ها قطعاً نقش داشته است (نمودار ۳). لازم به یادآوری است که ۶۰ درصد محوطه‌ها، فاصله‌ای بیشتر از ۱۰۰۰ متر و بقیه‌ی محوطه‌ها فاصله‌ای کمتر از ۱۰۰۰ متر از رودخانه‌ها دارند (نمودار ۳). نکته قابل تأملی که این نمودار نشان می‌دهد، این است که محوطه‌ها، به‌طور مشخص در سه فاصله‌ی ۰ تا ۲۵۰ متری، ۲۵۰ تا ۷۵۰، و ۷۵۰ تا ۱۲۵۰ متری از رودخانه‌ها قرار گرفته‌اند. با این که تعداد محوطه‌های قرار گرفته در فاصله‌ی ۷۵۰ تا ۱۲۵۰ متری به‌ترتیب بیشتر از فواصل کمتر ۷۵۰ متری است و محوطه‌های با فاصله‌ی ۲۵۰ تا ۷۵۰ متر نیز به نوبه‌ی خودشان، بیشتر از محوطه‌های نزدیک به رودخانه‌ها، یعنی زیر ۲۵۰ متر هستند؛ اما وسعت محوطه‌های نزدیک به رودخانه‌ها به‌مراتب بیشتر از محوطه‌های دورتر است و این نشان می‌دهد محوطه‌های تأثیرگذار و شاید هسته‌ای (؟) به رودخانه‌ها نزدیک‌تر هستند. این مسأله را شاید بتوان در ویژگی‌های ریخت‌شناختی این دشت جستجو کرد. دشت‌های کم‌وسعتی در این‌جا وجود دارد که در بین کوه‌ها محاصره شده‌اند. از این‌رو گروه‌های پُرجمعیت فرهنگ باکون، به سبب کمبود جا، ناچار به استقرار در بعضی نقاط نامناسب شده‌اند و دلایل

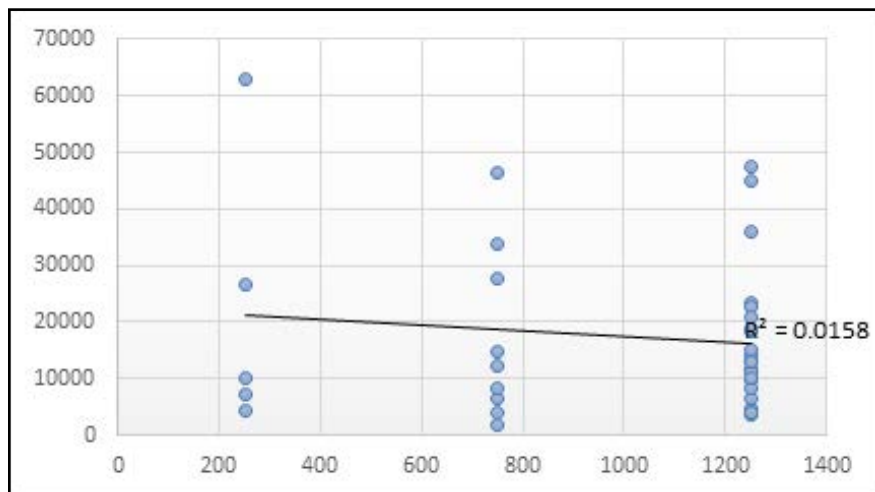
▲ نمودار ۱. میزان یافته‌های باستان‌شناختی و فراوانی اشیاء کشف شده در هر محوطه در طی بازنگری و بررسی میدانی استان فارس (معانی، ۱۳۹۵).



نمودار ۲. افزایش وسعت استقرارگاه‌ها با رفتن به مناطق مرتفع‌تر با شیب ملایم افزایش می‌یابد. در این نمودار ستون عمودی محور Y، وسعت استقرارها و محور افقی X، افزایش ارتفاع از سطح دریا را نشان می‌دهد (معانی، ۱۳۹۵). ◀

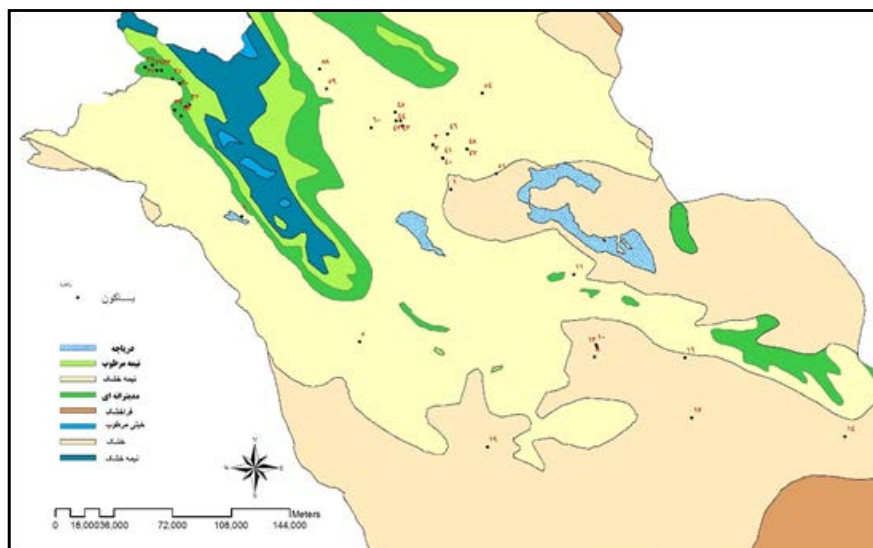
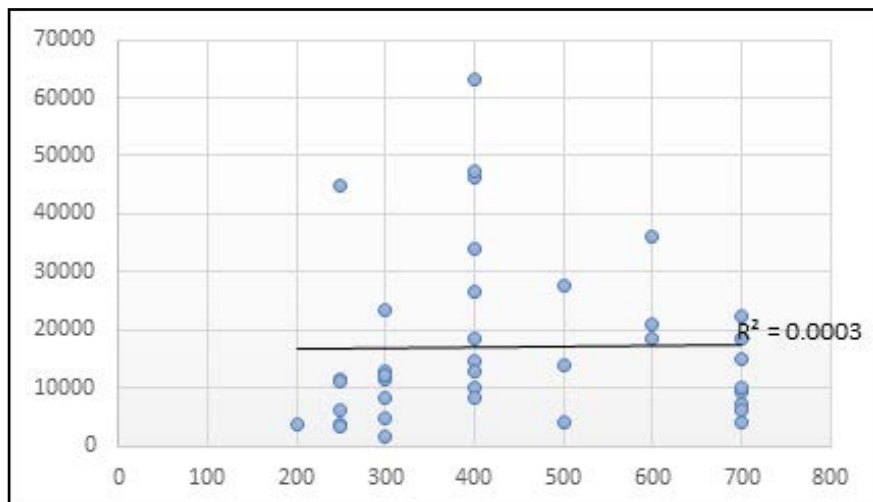
سکونت‌گزینی در پاره‌های نقاط به دلیل فاکتورهای دیگر، صورت گرفته است. میزان ضریب ناچیز وابستگی در این‌جا نیز نشان از عدم همبستگی بین دو متغیر است. میزان بسیار ناچیز، اما کمی مثبت، نشان از احتمال وجود کمی وابستگی استقرآگاه‌ها به مناطق پُربارش و تمایل اندک محوطه‌ها به نفوذ در مناطق بارشی با میزان بارندگی بیشتر است (نمودار ۴). جداول داده‌ها نشان می‌دهد که ۱۸/۵ درصد محوطه‌ها در مناطق بارشی با متوسط بارش بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ میلی‌متر در سال، ۱۸/۵ درصد محوطه‌ها در مناطق بارشی با متوسط بارش بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلی‌متر در سال، ۲۶ درصد در مناطقی با میزان متوسط ۴۰۰ تا ۵۰۰ و ۲۹ درصد نیز در مناطقی با میزان بارش متوسط بین ۶۰۰ تا ۷۵۰ میلی‌متر در سال، قرار دارند (نمودار ۴).

► نمودار ۳. نمودار میزان وابستگی محوطه‌ها، با شیبی بسیار ملایم به نزدیکی به رودخانه‌ها (معانی، ۱۳۹۵).

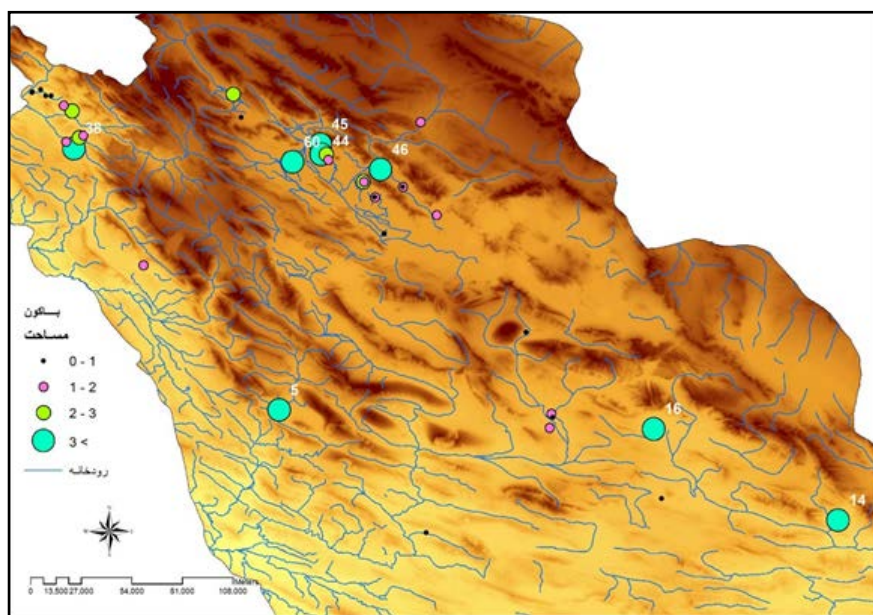


با مشاهده‌ی اراضی موجود در استان و البته با در نظر گرفتن وضعیت موجود (شکلی که اراضی در حال حاضر دارند)، متوجه این مسأله می‌شویم که ۴۲ درصد محوطه‌ها در مراتع متوسط و فقیر، کمتر از ۲ درصد در مناطق جنگلی و سایر محوطه‌ها در مناطقی که امروزه برای کشاورزی مناسبند، قرار دارند. شکل زمین‌ریخت‌شناختی این منطقه، موقعیت‌های چندان زیادی را در اختیار ساکنانش قرار نمی‌دهد؛ شاید بتوان گفت که این الگوها تا حدودی در همه‌ی دوره‌ها، به‌نحوی اجرایی می‌شده است. وضعیت آب‌وهوایی نشان از خشک و نیمه‌خشک بودن بسیاری از مناطق است. به‌طوری‌که بیش از ۶۸ درصد محوطه‌ها در مناطق خشک و نیمه‌خشک استان قرار دارند (شکل ۴)؛ این خود، می‌تواند دلیلی بر نقل مکان استقرآگاه‌ها به مناطق مرتفع‌تر برای جستجوی شرایط بهتر زندگی باشد و از طرف دیگر، شکل و وسعت محدود مناطق مرطوب و نیمه‌مرطوب، بعد از افزایش استقرآگاه‌ها یا به نوعی افزایش جمعیت، شرایط را به سمت مناطق مرتفع‌تر سوق داده است. از طرفی، وسعت محوطه‌ها بدین‌شکل است که از ۳۸ محوطه، ۱۲ محوطه دارای مساحت کمتر از یک هکتار، ۱۳ محوطه دارای مساحتی بین ۱ تا ۲ هکتار، ۵ محوطه بین ۲ تا ۳ هکتار و ۸ محوطه دارای مساحت بالای ۳ هکتار است (شکل ۵). با نگاهی به شکل ۸ و چگونگی توزیع آن‌ها، متوجه می‌شویم که محوطه‌های بالای سه هکتار در دشت‌های مرودشت و ممسنی، پتانسیل بالایی برای جذب سایر مراکز جمعیتی به سمت خود دارند؛ چرا که در اطرافشان تراکم محوطه‌ها بیشتر شده است. در دشت مرودشت، به تنهایی ۴ محوطه از ۸ محوطه، بالای سه هکتار شناسایی شده به همراه محوطه‌های کوچکتر دیده می‌شود (شکل ۶). این مراکز در میان دشت‌های صاف

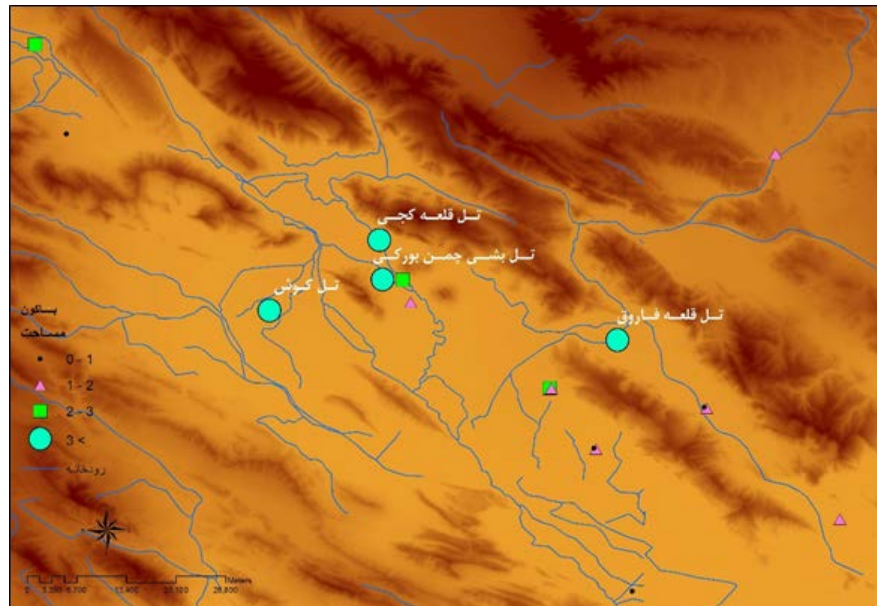
نمودار ۴. نمودار میزان وابستگی محوطه‌ها، با شیبی بسیار ملایم به مناطق بارشی (معانی، ۱۳۹۵). ◀



شکل ۴. پراکندگی محوطه‌ها در مناطق آب‌وهوایی استان فارس؛ همان‌طور که دیده می‌شود، بیشتر محوطه‌ها در مناطق خشک و نیمه‌خشک واقع شده‌اند (معانی، ۱۳۹۵). ◀



▲ شکل ۵. پراکندگی محوطه‌ها در منطقه، براساس وسعت طبقه‌بندی شده در ۴ گروه بر حسب هکتار (معانی، ۱۳۹۵). ◀



► شکل ۶. پراکندگی محوطه‌ها در دشت مرو دشت و وجود تنها گروهی از محوطه‌های بالای سه هکتار فارس در این دشت (معانی، ۱۳۹۵).

میان کوهی و به نسبت کم‌وسعتی قرار دارند که بخشی از این تراکم نیز به‌همین علت (کمبود جا) ایجاد شده است. رودها در این قسمت‌ها به یکدیگر می‌پیوندند و تشکیل رودهای بزرگتری را می‌دهند و با توجه به وابستگی حداقل ۱۵ درصدی محوطه‌ها به عامل رودخانه‌ها، این قسمت‌ها مکان‌های مناسب را برای تشکیل مراکز پُرجمعیت فراهم کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، بخش سفلاهی حوضه‌ی رود کُر، دارای دشتی عریض به وسعت تقریبی ۳۴۰۰ کیلومتر مربع و ارتفاع حدود ۱۶۰۰ متر از سطح دریا است. آب‌وهوای آن نیمه‌خشک است و میانگین سالانه‌ی باران در آن از ۳۵۰ میلی‌متر در شمال غربی تا ۲۰۰ میلی‌متر در جنوب‌شرقی متغیر است. در این حوضه، فقط در ماه‌های زمستان باران می‌بارد و میزان آن از سالی به سال دیگر، بسیار متغیر است که با این تغییر در میزان بارندگی، کشت دیم غلات در زمستان امکان‌پذیر، اما پُر مخاطره است. حوضه‌ی رود کُر، شامل دره‌های میان کوهی وسیعی است که احتمالاً مهم‌ترین مشخصه‌ی جغرافیایی این منطقه، حوضه‌ی آبریز داخلی است. مرکز دره به‌صورت صاف و هموار دیده می‌شود. نمک‌های قابل حل از اطراف تپه‌ماهورها و خاک‌های بسیار نرم حاصلخیز می‌گذرد و این منطقه را برای کشاورزی نامناسب می‌کند. نواحی واقع در شمال و شمال‌غرب استان، متشکل از ارتفاعات به‌هم پیوسته و دره‌های عمیق است؛ در حالی‌که، در گستره‌های جنوب و جنوب‌غربی استان، در حد فاصل کوه‌ها دشت‌های حاصلخیز شیراز، کازرون، نیریز، مرو دشت و... قرار دارد که توسط رودها آبیاری می‌شوند. نتایج تحلیل الگوهای استقراری در چشم‌انداز فرهنگی باکون، حاکی از عدم وابستگی خاص این مردمان به شرایط زیست‌محیطی به‌شکل معمول در سایر حوزه‌های فرهنگی دیگر از جمله فلات مرکزی و شوشان است؛ اگرچه محوطه‌ها در حوضه‌های آبریز قرار دارند و یا عوامل فیزیکی محیطی تا

حدودی شرایط را تعیین می‌کنند، اما در این‌جا، این ارتباط کمتر از حد معمول دیده می‌شود. به‌طوری که نمودارهای وابستگی بین مساحت محوطه‌ها و عوامل طبیعی، نوعی بی‌تفاوتی را به شکل یک خط مستقیم و بدون شیب نشان می‌دهد (ن. ک. به: نمودارهای ۲، ۳ و ۴). با نگاهی کلی به نحوه‌ی پراکندگی محوطه‌های باکون و نزدیکی شگفت‌انگیز آن‌ها به شهرها و مراکز کنونی که انتخاب آن‌ها، میزان کمتری وابسته به عوامل طبیعی (به‌عنوان مثال، نزدیکی به منابع آب و...) می‌توان چنین استنباط کرد که یکی از عوامل مهم انتخاب سکونتگاه در فارس به‌دلیل ساختار ویژه‌ی زمین‌ریخت‌شناختی و وسعت ناچیز مناطق قابل سکونت، در کل ادوار انتخاب محدوده‌ای خاص با وسعت سرزمینی خاص بوده است؛ این شرایط به گونه‌ای است که حتی با افزایش ارتفاع از سطح دریا، تعداد محوطه‌ها از ۵ درصد به ۳۲ درصد و در نهایت در ارتفاع ۱۶۰۰ تا ۱۸۰۰ متری به میزان ۳۷ درصد افزایش می‌یابد. این روند برای انتخاب سکونتگاه‌های دائمی، کمی غیرمعمول به‌نظر می‌رسد، شاید بتوان این مورد را با کمبود مناطق قابل سکونت توجیه کرد و یا این که نوعی زندگی معیشتی کوچ‌نشینی را تصور کرد که با انتخاب مناطق مرتفع به‌دنبال مناطق بارشی بالای ۶۰۰ میلی‌متر در سال شکل گرفته است. این میزان در جدول داده‌ها نشان می‌دهد ۲۹ درصد محوطه‌ها در این مناطق قرار گرفته‌اند (جدول ۱).

در نقشه‌ی آب‌وهوایی (شکل ۴) در نگاه اول، شاهد وجود بیش از ۷۱ درصد محوطه‌ها در مناطق خشک و نیمه‌خشک استان فارس هستیم. اما با نگاهی دقیق‌تر، درمی‌یابیم که این مناطق آب‌وهوایی در کرانه‌های کوه‌ها و ارتفاعات قرار گرفته و از این حیث با وجود قرارگیری در مناطق خشک و نیمه‌خشک، باید الزاماتی که شکل زمین‌ریخت‌شناختی این منطقه بر ساکنان تحمیل می‌کند را لحاظ قرار دهیم. در بخشی از دشت‌های شمالی منطقه، در جایی که فلات‌ها (زمین‌های مسطح در ارتفاعات) به‌چشم می‌خورد، تراکم دیگری از محوطه‌ها را شاهد هستیم. از این نظر، شاید بتوان بیشتر تحلیل‌های فضایی را به نوعی به ارتباطات درون منطقه‌ای مرتبط دانست. مراکز بزرگی (در مقایسه با وسعت سایر محوطه‌ها) در دشت‌های شمالی وجود دارد که به‌نظر می‌رسد نقش کلیدی در توزیع الگوهای استقراری در این دشت‌ها ایفا می‌کنند (شکل ۶). از مراکز بزرگی که شاید بتوان گفت نقش کلیدی در توزیع محوطه‌ها در منطقه دارند، می‌توان به تل کوزه‌گران در دشت نورآباد، تل بشی‌چمن بورکی، تل قلعه‌کجی، تل قلعه‌فاروق و تل کوش‌نوسنجان در دشت مرودشت اشاره کرد. تل کوزه‌گران در دشت نورآباد، در یکی از فلات‌های مناسب با شرایط بارشی مناسب و منطقه آب‌وهوایی مدیترانه‌ای قرار گرفته است. محوطه‌های کوچک‌تر به نوعی در اطراف این محوطه متمرکز شده‌اند و تنوع سفال‌های کوزه‌گران می‌تواند گویای رونق اقتصادی این مرکز و توزیع ثروت در سایر روستاها باشد. در دشت مرودشت تراکمی از محوطه‌ها، مراکز بزرگ، میانی و کوچک وجود دارد که در نزدیکی رودها و چشمه‌ها قرار گرفته‌اند و از لحاظ تنوع سفالی نیز مجموعه‌ای از سفال‌های منطقه را در یافته‌های فرهنگی خود دارند (شکل ۵). این مراکز می‌توانند کانون‌هایی از تجارت درون منطقه‌ای ایجاد کرده و زمینه را برای توسعه‌ی فرهنگی کل چشم‌انداز دشت فراهم آورند؛ اغراق نیست اگر که بگوییم، همین سیستم در شکل‌گیری مراکز بزرگ و تأثیرگذار فرامنطقه‌ای در دوره‌های بعدی است.

سپاسگزاری

با سپاس از اعضای هیأت بازننگری منطقه‌ی مورد مطالعه متشکل از، آقایان کوروش علمداری) نماینده‌ی محترم سازمان میراث فرهنگی فارس (، مصطفی فردرو) مسئول هماهنگی و راننده گروه (و همکاری عزیزان مسئول در نمایندگی‌های میراث فرهنگی در شهرستان‌های مختلف فارس و سپاس ویژه از دوست گرامی جناب دکتر بهزاد بلمکی جهت مشاوره در تحلیل‌های فضایی پروژه.

کتابنامه

- تاج‌بخش، رویا و بلمکی، بهزاد، ۱۳۹۳، «تحلیل الگوهای استقراری و حوزه‌ی گیرش محوطه‌های عصر مس سنگی واقع در اطراف الوند در ارتباط با تشابهات منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای»، مجله‌ی علمی-پژوهشی *مطالعات باستان‌شناسی*، سال ششم، شماره ۱، شماره پیاپی ۹، صص: ۱-۲۰.
- دارک، کن، ار، ۱۳۷۹، *مبانی نظری باستان‌شناسی*، ترجمه: کامیار عبدی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران
- زیدی، محسن، ۱۳۸۷، «الگوی استقراری و نوسان‌های جمعیتی فرهنگ‌های پیش‌ازتاریخ تا دوران اسلامی در دره‌های حوضه‌ی رود گر شمال غربی فارس»، مجله *باستان‌شناسی و تاریخ*، شماره پیاپی ۴۲ و ۴۳، تهران.
- سامنر و بلیام ماروین، ۱۳۷۹، «بررسی‌های فراگیر منطقه‌ای در خاور نزدیک: نمونه‌ای از ایران»، ترجمه: کامیار عبدی، مجله *باستان‌شناسی و تاریخ*، سال ۱۳، شماره اول، پاییز و زمستان، صص: ۳۵-۵۰.
- سامی، علی، ۱۳۳۰، *کاوش‌های دوازده ساله بنگاه علمی تخت جمشید در نقاط مختلف تاریخی*، گزارش باستان‌شناسی.
- عسگری‌چاوردی، علیرضا و پتیری، کامرون و سیدین، مژگان، ۱۳۹۳، *پژوهش‌های باستان‌شناسی تل اسپید فارس*، دانشگاه هنر شیراز.
- علیزاده، عباس، ۱۳۷۶، *گزارش توصیفی مقدماتی بررسی‌های باستان‌شناسی انسان‌شناسی در دره‌های رود گر و ناحیه‌ی شمال غرب مرودشت فارس*، گزارش‌های باستان‌شناسی ۱، معاونت پژوهشی میراث فرهنگی.
- علیزاده، عباس، ۱۳۸۰، *تئوری و عمل در باستان‌شناسی*، سازمان میراث فرهنگی کشور- پژوهشگاه، سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- علیزاده، عباس، ۱۳۸۳، *منشاء نهادهای حکومتی در پیش‌ازتاریخ فارس، تل باکون، کوچ‌نشینی باستان و تشکیل حکومت‌های اولیه*، ترجمه: کوروش روستایی، بنیاد پژوهشی پارسه - پاسارگاد، شیراز.
- نوروزی، رضا، ۱۳۸۴، *بررسی باستان‌شناسی فیروزآباد*، دانش‌نامه فارس و سازمان میراث فرهنگی فارس، شیراز.
- هژبری‌نوبری، علیرضا و سرداری، علیرضا و فاضلی‌نثلی، حسن و خطیب‌شهیدی، حمید، ۱۳۹۱، «توسعه‌ی فرهنگی جوامع شمال فارس در دوره‌ی باکون: تپه مهرعلی»، مجله‌ی علمی-پژوهشی *مطالعات باستان‌شناسی*، سال چهارم، شماره ۲، شماره پیاپی ۶، صص: ۸۳-۱۰۱.

- Abdi, K., Pollock, S., & Bernbeck, R, 2003 , “Fars Archaeology Project 2003: Excavations at Toll-e Bashi“, *Iran* 41 :339-344.
- Alden, J. R., 1979, “Regional Economic Organization in Banesh Period Iran», Ph.D. dissertation, Department of Anthropology, University of Michigan, Ann Arbor .
- Alizadeh , A., 2004 , “Recent archaeological investigations on the Persepolis Plain“ , *The Oriental Institute News and Notes* 183; 1-7.
- Alizadeh , Abbas, 2006, *The Origins of state Organizations in Prehistoric Highland Fars, Southern Iran : Excavations at Tall-e Bakun*, Oriental Institute Publications, Volume 128, Chicago .
- Egami, N., Masuda, S., & Gotoh, T., 1977 “Tal-I Jarri A; A preliminary report of the excavations in Marv Dasht, 1961 and 1971“ , *Oriens* 8: 1-14.
- Egami., N. & Sono, T., 1962 , *Marv Dasht II: The Excavation at Tal-i-Gap 1959*, Tokyo: Institute for Oriental Culture for the University of Tokyo.
- Fukai, S., 1973 , *Marv Dasht III : The Excavation at Tal-I Moshaki*, Tokyo: Institute for Oriental Culture of the University of Tokyo.
- Gotch, P. 1968, “A Survey of the Perspolis Plain and Shiraz Area“, *Iran* 6: 168-169.
- Herzfeld, E., 1929, “Prehistoric Persia 1. A Neolithic Settlement at Persepolis: Remarkable New Discoveries”, *Illustrated London News* 84:892-893.
- Langsdorff, A. & D.E. Mc Cown, 1942, *Tall-i- Bakun A , Season of 1032*, Oriental Institute Publications, The University of Chicago Press.
- Overlaet, B., 1997, “A Report on the 1952 and 1954-1955 Soundings at Tall-I Taimuran (Fars), Iran: A File excavation at the Royal Museum of Art and History , Brussels” , *Iranica Antiqua* 32 : 1-51.
- Potts D.T. & Roustaiei, K. 2006, *The Mamasani Archaeological project stage one, A report on The first Two seasons of The ICAR – University of Sydney expedition to The Mamasani District, Fars province, Iran, AD 2006 / AH /1385*.
- Sumner, W.M., 1994, “The Evolution of Tribal Society in the Southern Zagros Mountains, Iran”, In Stein, G. and Rothman, M. S., (eds.), *Chiefdoms and Early States in the Near East: the Organizational Dynamics of Complexity*, 18, Prehistory Press, Monographs in World Archaeology, *Madison*: 47-65.
- Stein, A., 1936, “An Archaeological Tour in the Ancient Persis”, *Iraq* 3: 111-230.
- Sumner, W., M., 1972 , “Cultural Development in the Kur River Basin Iran : An Archaeological Analysis of Settlement Patterns”, Ph.D. dissertation, Department of Anthropology, University of Pennsylvania.
- Sumner , W., M., 1986, ”proto-Elamite civilization in Fars“, in Gamdat Nasr: period or Regional style, in Finkbeiner and Rollig, W. eds .pp 199-211.
- Sumner, W., M., 1994, “The Evolution of Tribal Society in the Southern Zagros Mountains, Iran”, In Stein, G. and Rothman, M. S., (eds.), *Chiefdoms and Early States in the Near East: the Organizational Dynamics of Complexity*, 18, Prehistory Press, Monographs in World Archaeology, *Madison*: 47-65.